

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ اپریل ۲۰۲۱

جبن، بزرگنمائی، عدم اعتماد بر نزدیکان...؛ کدام یک؟؟

جمعه - ۱۳ حمل ۱۴۰۰ - کابل: شاید شما هم از طریق رسانه ها مطلع شده باشید که امروز باز هم "گلبدین" از تمام اعضاء و هواداران باندش شامل زنان و مردان خواسته بود تا با تظاهرات مسلحانه مگر آرام در شهر کابل قدرت نمائی نموده، ظاهراً به بهانه ابراز مخالفت با حاکمیت ارگ نشینان، مگر در اصل اعلان کردن قدرت و توانائی های باندش برای خارجیان، بر سرکها برآیند.. این که پاسخ مردم کابل به این جلاد که لقب "قصاب کابل" را بحق تصاحب نموده، چه می توانست باشد، از قبل معلوم بود.

یعنی مردم کابل خلاف عادت همیشگی که برای یک سگ جنگی و یا کاغذ پران بازی به هزاران نفر به تماشا می ایستند، پاسخ همیشگی شان را به این جلاد و قصاب خیره سر داده، علی رغم نفرتی که در سرتاسر شهر علیه "غنی احمدزی" و باندش در شهر کابل موج می زند، حتا به مثابه ابراز نفرت علیه "غنی احمدزی" هم نخواستند ننگ سیاهی لشکر "گلبدین" را بر جبین شان داشته باشند، از همین رو این باند جنایت پیشه قادر نشد با تمام کاردارکاتی و مصرف لکها افغانی جهت انتقال اعضاء و هواداران باند، از سایر ولایات به کابل، جمعیتی را بسیج نماید که تعداد افرادش بر بیرقهایش فزونی داشته باشد.

با آنهم آنچه به نظر من این شبه تظاهرات را نسبت با سایر تظاهرات متمایز می سازد، کلاً در چند نکته بود:

۱- این که دولت دست نشانده برای تعقیب یک و یا چند فرد مسلح، کوه ها و دشتها را زیر پای گذاشته، با زیر پای کردن تمام موازین حقوق بشری از کشته های مردم پشته می سازد، مگر در بطن شهر کابل، به یک انسان آدمکش، جانی و قاتل بیرحمی که از تاریخ لقب "قصاب کابل" را کمائی نموده، اجازه می دهد تا مسلحانه در داخل شهر مارش نموده، با تفنگ های خیراتی شان در ذهن مردم هراس ایجاد نمایند، می تواند خود سؤال بر انگیز باشد.

سؤال برانگیز بدان معنا، که باید فهمید؛ آیا دولت دست نشانده و باند ارگ خودش به وی اجازه چنین نمایش مضحکی را داده بود و یا باداران دولت به وی چنین دستور داده بودند؟ در هر صورت چه دولت دست نشانده خودش و چه هم بادارانش چنین تصمیمی گرفته باشند، در اصل قضیه که از یک سو وابستگی مطلق "گلبدین" را به حاکمیت می رساند و از جانب دیگر ذات چنین تظاهراتی که در مخالفت صریح با قانون اساسی دست ساخت استعمار می باشد، تفاوتی به وجود نمی آورد.

۲- سکوت و تحمل دولت دست نشانده در قبال حمل سلاح در تظاهرات از جانب باند "گلبدین"، می تواند سرمشق سایر نیروهای مسلح و یا شبه مسلح نیز قرار گیرد، که در چنان صورتی، دولت دست نشانده حق نخواهد داشت با برخورد دوگانه از آن جلوگیری نماید. حال خود می توانید عاقبت این سکوت و تحمل ننگین دولت دست نشانده و بادرانش را در قبال حرکت "قصاب کابل" پیش بینی نموده، همه روزه شاهد مانور های نظامی باند های مسلح در شهر کابل و سایر شهرها باشید.

۳- جالب ترین قسمت این تظاهرات سخنرانی "قصاب کابل" از درون یک محفظه زرهی بود. سخنرانی از درون محفظه زرهی با در نظر داشت این که نه طالب، نه داعش و نه هم کدام نهاد تروریستی دیگری هیچ گاهی به وی آسیبی نمی رسانند، می تواند روی چند دلیل صورت گرفته باشد:

*- بدین وسیله می خواهد خود را نزد اعضای باند و هوادارانش مهم جلوه داده در عین زمان به نحوی توجه مزید آنها را به حفظ جان کتیفش جلب نماید.

*- با تقلید از "پاپ اعظم" رهبر کاتولیک های جهان، خود را بزرگ معرفی نموده، در عمل چون "پاپ" ادعای رهبری تمام مسلمانان جهان را نماید.

*- این که گفته اند، خاین خایف است، در همین جا صدق می نماید. یعنی چون افراد خودش در تظاهرات مسلح شرکت نموده اند، از یک جانب میزان جنایات خودش را می دانند و از جانب دیگر، موج نفرتی که علیه وی بین قاطبه مردم افغانستان حتا هوادارانش وجود دارد، او را وادار می سازد تا درون محفظه زرهی صحبت نماید.

هموطنان گرامی!

هرچند "گلبدین" یکی از آن افراد است که می باید در پیشگاه مردم محکمه شده به جرم خیانت نسبت به کشور و جنایت علیه مردم افغانستان، به سزای خیانت های ننگین و جنایات دهشتناکش رسانیده شود، با آنهم هرگاه وی در یک حادثه هم بمیرد، فکر می کنم مردم کابل نه تنها اشکی برایش نخوانند ریخت، بلکه یکی از شاد ترین روزهای زندگانی آنها به شمار خواهد رفت.

مبارزه علیه استعمار و ارتجاع، جزع لایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!